



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق برای بین الملل

Volume 2, Issue 1, 2024

States' Responsibility towards Proxy Military Groups in International Criminal Law

Sara Rostami*¹

1. Assistant Professor, Department of Law and Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 47-56

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-0672-3616

TELL: +989353919437

Email: Dr.Rostami@pnu.ac.ir

Article history:

Received: 07 Jun 2023

Revised: 21 Aug 2023

Accepted: 24 Oct 2023

Published online: 20 Mar 2024

Keywords:

**Criminal Responsibility,
Governments, Proxy War.**

ABSTRACT

One of the regions that is at the center of proxy military groups is the Middle East region, because the fear of losing regional allies and the formation of the dominant discourse of resistance and independence due to the Arab revolutions caused the United States, instead of a direct and active presence, to indirectly through proxy wars in Syria, Yemen and Iraq to seek to secure its interests and continue its presence in the Middle East. So, what is the responsibility of governments in proxy groups? The hypothesis is that in today's society and the do's and don'ts of the present era; it does not seem far-fetched to impose criminal responsibility on the shoulders of persons other than the material agent. Therefore, proxy wars are an important factor in redefining the new order of the region, and on the other hand, with the advancement of technology and the new order and the solutions for creating new justice, it gives suggestions for the inclusion of this type of indirect responsibility as much as possible, the responsibility that in the first place It seems inconsistent with the principle of personal nature of crime and punishment. This research is descriptive-analytical and compiled using library sources.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Rostami, S (2024). "States' Responsibility towards Proxy Military Groups in International Criminal Law". *Journal of International Criminal Law*, 2(1): 47-56.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه حقوق جزای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

دوره دوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

چالش‌های مسؤولیت دولتها در قبال گروه‌های نظامی نیابتی در حقوق کیفری بین‌المللی

سارا رستمی*۱

۱. استادیار، گروه حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

یکی از مناطقی که در کانون گروه‌های نظامی نیابتی قرار می‌گیرد، منطقه خاورمیانه است، چراکه ترس از دست‌دادن متحدان منطقه‌ای و شکل‌گیری گفتمان غالب مقاومت و استقلال به دلیل انقلاب‌های عربی سبب شد که آمریکا به‌جای حضور مستقیم و فعال به‌صورت غیرمستقیم از طریق جنگ‌های نیابتی در سوریه، یمن و عراق به‌دنبال تأمین منافع خود و ادامه حضورش در خاورمیانه باشد. سؤال این‌که مسؤولیت دولتها در گروه‌های نیابتی چگونه است؟ فرضیه ما این است که در جامعه امروزی و بایسته‌ها و نبایسته‌های عصر کنونی بارنمودن مسؤولیت کیفری بر دوش اشخاصی غیر از فاعل مادی دور از ذهن به‌نظر نمی‌رسد. بنابراین جنگ‌های نیابتی خود عاملی مهم جهت بازتعریف نظم نوین منطقه می‌باشند و از سویی با پیشرفت فناوری و نظم نوین و راهکارهای ایجاد عدالت نوین پیشنهادهایی در راستای هرچه بیشتر مورد شمول قرارگرفتن این نوع مسؤولیت غیرمستقیم می‌دهد، مسؤولیتی که در وهله اول با اصل شخصی‌بودن جرم و مجازات متعارض به‌نظر می‌رسد. این پژوهش به‌صورت توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۷-۵۶

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۰۶۷۲-۳۶۱۶

تلفن: +۹۸۹۳۵۳۹۱۹۴۳۷

ایمیل: Dr.Rostami@pnu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

مسؤولیت کیفری، دولتها، جنگ نیابتی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

«مناطق و قدرت‌ها» نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای مورد بازنگری قرار گرفت، در تعریف جدید بوزان و باری^۲ یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را چنین توضیح داده‌اند: «مجموعه‌ای از واحدها که در آن‌ها فرایندهای عمده امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن یا هردوی آن‌ها آن اندازه درهم تنیده شده‌اند که مشکلات امنیتی نمی‌تواند جدایی از یکدیگر تحلیل یا حل شود» (Buzan, 1991: 56).

تر اصلی بوزان و ویور نظریه امنیت منطقه‌ای است و بر این فرض استوار است که پایان جنگ سرد سبب آغاز ناامنی‌های بسیار گسترده‌ای شده که ریشه در محدودیت‌های مکاتب رئالیستی و جهانگیر از ماهیت و ابعاد امنیت دارد. به این ترتیب که مکتب رئالیسم با تلقی دولت به‌عنوان یگانه موضوع امنیت و نیز مکتب جهان‌گرا با تلقی نظام بین‌المللی به‌عنوان یگانه عامل امنیت از کانون تکوین حرکت‌های اصلی منطقه غفلت کرده‌اند. بنابراین لازم است برای ارائه فهم مناسب از سرشت و سرنوشت امنیت به ساختار منطقه و ویژگی‌های کشورهای که در منطقه‌ای خاص قرار دارند و از معضلات امنیتی مشابهی برخوردارند، توجه کرد (نصری، ۱۳۸۴: ۵۹-۵۸). با توجه به مطالب مذکور مؤلفه‌های مختلفی امنیت منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهند که یکی از این مؤلفه‌ها جنگ‌های نیابتی است.

۱- مسؤولیت کیفری نیابتی

مسؤولیت نیابتی امروزه در قوانین کشورها برای خود جا باز کرده است و به‌نظر ما شامل قریب به اکثر مواردی می‌شود که در آن رابطه فرادستی و فرودستی وجود دارد. جایی که اشخاص حقوقی، حقیقی از عمل دیگری منفعت می‌برند، حتی در مواردی در جرایم عمدی شخص فرادست نیابتاً مسؤولیت کیفری یافت. این‌گونه می‌توان گفت که مسؤولیت کیفری نیابتی عبارت است از تحمیل پیامدهای رفتار مجرمانه بر شخصی که فاعل مادی جرم به نمایندگی از او مرتکب شده است (رنجبر، ۱۳۹۳: ۲۸).

احاطه اشخاص حقوقی بر ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی بشر به‌ویژه با رشد آهنگ خصوصی‌سازی در اواخر قرن بیستم، حقیقتی انکارناپذیر است. عدم تکاپوی ضمانت اجرای اداری و مدنی در مهار فعالیت‌های خطرناک اشخاص حقوقی، نظام‌های حقوقی همچون انگلستان (قرن ۱۷) و اخیراً ایران (تصویب قانون مجازات جدید در سال ۱۳۹۲) را بر آن داشته است تا بر پایه دلایلی چون واقعیت جرم‌شناختی، مشابهت مبانی پذیرش مسؤولیت مدنی و مسؤولیت کیفری این اشخاص، دقت بیشتر اعضا و سهام‌داران در انتخاب مدیران، دشواری شناسایی اشخاص حقیقی مقصر و مسؤولیت کیفری آنان را به رسمیت بشناسند.

سیستم‌های امنیتی منطقه‌ای را می‌توان به‌منزله الگوهای دوستی و دشمنی که عمدتاً بر جغرافیایی خاصی متمرکز هستند، به‌شمار آورد و از عبارت «مجموعه امنیتی» یا مجتمع امنیتی برای اشاره به آن استفاده نمود. مجموعه امنیتی، یعنی گروهی از دولت‌ها که علائق امنیتی اصلی آن‌ها به‌قدری زیاد است که امنیت ملی آن‌ها را نمی‌توان جدا از دیگران ملاحظه کرد (Buzan, 1991: 216).

بعد از جنگ سرد منطقه‌گرایی به‌عنوان یک چشم‌انداز نظم امنیتی شناخته شد. منطقه به‌عنوان یک واحد جغرافیایی است که از چندین کشور تشکیل شده که حدود آن براساس مرزهای فیزیکی و ویژگی‌های ایدئولوژیک تعیین می‌گردند (ولدانی، ۱۳۸۸: ۲۴). در سطح منطقه‌ای امنیت جهانی و ملی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و بسیاری از حوادث هم در آن رخ می‌دهد، در سطح منطقه‌ای دولت‌ها یا واحدهای دیگر آن اندازه به یکدیگر نزدیک‌اند که نمی‌توان امنیت آن‌ها را جدای از یکدیگر در نظر گرفت (Barry & Buzan, 1991: 56). واضح نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای باری بوزان^۱ است. بوزان در تعریف اولیه از یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای چنین اظهار می‌دارد که گروهی از دولت‌ها که نگرانی اصلی امنیتی آن‌ها تا اندازه‌ای به یکدیگر گره خورده است که امنیت ملی آن‌ها را به‌صورت منطقی نمی‌توان جدایی از یکدیگر مورد توجه قرار داد. در کتاب

²- Barry & Buzan

¹- Barry Buzan

مجرمانه در خارج و رکن معنوی آن وجود وحدت قصد است، به این شرط که قصد معاون بر قصد مباشر تقدم داشته باشد یا حداقل مقارن باشند (پرشان، ۱۳۹۴: ۵۲).

پس قصد معاون یا مقدم بر قصد مباشر است یا حداقل اقتران زمانی دارد و نمی‌تواند متأخر بر قصد مباشر فاعل جرم باشد. این وحدت قصد به صورتی است که بدون ورود به عملیات مادی جرم عالماً و عامداً وقوع جرم را تسهیل می‌کند. با توجه به تعاریفی که از مسؤلیت کیفری نیابتی ارائه شد، این گونه می‌توان گفت که مسؤلیت کیفری نیابتی را نمی‌توان تحت عنوان معاونت در جرم توجیه کرد، چون در بحث تمیز مسؤلیت کیفری و فاعل معنوی اشاره شد که موضوع معاونت در جرم در جرایم غیر عمدی به سختی قابل توجیه است، در صورتی که قریب به اتفاق اکثر جرایم با موضوع مسؤلیت کیفری نیابتی، جرایم غیر عمدی می‌باشند. همچنین باز هم طبق اشاراتی که در مورد وحدت قصد در فاعل معنوی کردیم، در این مقوله، یعنی معاونت نیز تأکیداً وحدت قصد تقدیمی و یا اقترانی نیاز است و حال آنکه شخص مشمول مسؤلیت کیفری نیابتی اصولاً وحدت قصدی با فاعل جرم ندارد و حتی نیازی به انجام فعل مثبت مادی ندارد، در صورتی که با کمی دقت در متن ماده ۱۲۱ قانون مجازات اسلامی که از افعال مثبت استفاده شده است.

اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند:

الف- هرکس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.

ب- هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

پ- هرکس وقوع جرم را تسهیل کند.

۲- مبانی تقصیری مسؤلیت کیفری نیابتی

منظور از قبول مطلق نظریه تقصیر این است که شخص وقتی مسؤول است که در انجام اعمال خود مرتکب تقصیر یا خطایی شده باشد. شرایط پیچیده زندگی کنونی، باعث شده است که بسیاری از زیان‌ها بدون جبران بماند. به عنوان مثال اگر اتومبیلی از نظر کیفیت (فنی) کنترل نشده باشد و ناگهان آتش

۱-۱- مقایسه برخی عناوین مشابه مسؤلیت کیفری نیابتی

۱-۱-۱- تمیز مسؤلیت کیفری نیابتی از فاعل معنوی

اصطلاح فاعل یا کننده کار به کسی اطلاق می‌شود که فعل از او سرزده باشد. نسبت فاعل به فعل اگر مستقیم و بلاواسطه باشد مباشر یا شریک قلمداد می‌گردد و اگر به واسطه انسان دیگر باشد، یعنی در تحقق فعل به نحوی بر مباشر تأثیر بخشیده باشد، فاعل معنوی نامیده می‌شود (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۲۵). پس به عبارتی فاعل معنوی کسی است که عملاً در اجرای مادی جرم نقشی ندارد و شخص غیرمسؤولی را وادار به جرمی می‌کند، به گونه‌ای که مباشر جرم نقش وسیله را بازی می‌کند و به تعبیر بسیار زیبای دکتر اردبیلی فاعل معنوی را باید نسبت به فاعل مادی مغز اندیشنده به شمار آورد و به همان اندازه از رفتار او بیمناک بود (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۳۲).

با کمی دقت می‌توان دریافت که فاعل معنوی چون مغز متفکر جرم است؛ رفتارش فقط تحت عنوان جرم عمدی محقق می‌گردد و منطقاً تنها او مسؤلیت کیفری دارد و فاعل مادی میرا از مسؤلیت کیفری است. حال این که در مسؤلیت نیابتی اولاً فقط منحصر به جرایم عمدی نیست و دامنه شمول موارد غیر عمدی آن بسیار زیاد است؛ ثانیاً هم مباشر و هم شخص مسؤول نیابتی، به صورت مشترک مسؤلیت کیفری دارند. از همه مهم‌تر قریب به اتفاق همه موارد در مسؤلیت کیفری نیابتی شخص مسؤول هیچ‌گونه کمکی به مباشر نمی‌کند و حتی هیچ اطلاعی از انجام جرم ندارد، پس این گونه نتیجه می‌گیریم که بدهاتماً شخص مسؤول فعل غیر، فاعل معنوی قلمداد نمی‌گردد.

۱-۱-۲- تمیز مسؤلیت کیفری نیابتی از معاونت در جرم

به چه کسی معاون گفته می‌شود؟ تمیز معاونت در جرم با مقوله مسؤلیت نیابتی امکان‌پذیر است؟ معاون کسی است که بدون آنکه شخصاً به اجرای جرم منتسب به مباشر پرداخته باشد با رفتار خود عملاً وقوع جرم را تسهیل کرده و یا مباشر را به ارتکاب جرم برانگیخته است (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۴۵). عنصر قانونی شرکت در جرم، فصل سوم از بخش سوم از کتاب اول مواد ۱۲۶ و ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۲ است. رکن مادی آن تحقق عمل مثبت مادی و تحقق فعل

دیگر کارگران است. این حوادث و بیماری‌ها، حتی به صورت رفتار مجرمانه نیز آشکار می‌شود. به‌عنوان مثال افراد مشغول به کار کارهای 3D گاهاً از مشکلات روانی رنج می‌برند، زودتر عصبانی می‌شوند و آمار خشونت در بین آنان بیشتر است.

پس می‌توان مسؤولیت کیفری نیابتی مبتنی بر ریسک را بر این مینا دانست که اشخاص و مؤسساتی که محیطی مستعد برای ارتکاب رفتار مجرمانه فراهم آورده‌اند، مستحق مسؤولیت نیابتی بابت فاعلان مادی آن رفتار مجرمانه دانست.

چون کار علت اولیه وقوع حادثه است و از کار انجام‌شده دو گروه سود می‌برند: یکی خود کارگر و دیگری کارفرما (جوهریان، ۱۳۹۳: ۱۲)، پس کارفرما باید در جبران زیان حادثه‌دیده شرکت جسته و این مسؤولیت را بدوش کشد. باید بدانیم که انصاف حکم می‌کند کسی که از عمل مجرمانه کارگرش سود می‌برد، پس باید تبعات زیان‌های آن را هم بپذیرد. آقای برودی داگلاس می‌گوید: «هرکس ریسکی را در قبال تحصیل منفعت می‌کند، طبق قاعده انصاف می‌بایست ملزم به جبران خسارت ضرر ناشی از آن ریسک شمرده شود.»

گاهاً نیز حقوق‌دانان رابطه تقابلی^۳ را علت جبران ضرر توسط مقام بالادستی می‌دانند، بدین صورت که رابطه بده بستانی بین جامعه و کارفرما با مجوزی که جامعه برای ایجاد محیط آکنده از ریسک به کارفرما داده است. در عوض جبران ضرر و زیان‌های این محیط را نیز از او می‌خواهد. این مطالعات و ایده‌ها منجر شد تا مفهوم بازدارندگی^۴ در مسؤولیت کیفری مبتنی بر ریسک معنی یابد بدین صورت که با مسؤول قلمداد کردن کارفرمایان آن‌ها با ایجاد محیط ریسک آلود، تمامی جوانب را در نظر می‌گیرند و زیردستان خود را آن‌چنان کنترل کنند تا رفتار مجرمانه‌ای از آن‌ها سر نزنند تا مجبور به تحمل مسؤولیت کیفری به نیابت از آنان نشوند.

۲-۱-۲- مسؤولیت کیفری نیابتی مبتنی بر جبران و توزیع ضرر
از آنجا که تمامی کوشش‌ها برای این است که ضرری بدون جبران نماند و از اشخاص پایین‌دستی حمایت به‌عمل آید، یکی

بگیرد و باعث آسیب‌دیدن سرنشینان اتومبیل شود و یا اگر راننده‌ای ماهر بر اثر بریدن ترمز با عابری تصادف کند و موجب صدمه‌دیدن او شود، دارنده اتومبیل در سیستم حقوقی مبتنی بر نظریه تقصیر می‌تواند به استناد رعایت احتیاط‌های لازم و معمول از مسؤولیت مبرا شود؟ در جواب به این سؤال می‌توان گفت که اثبات تقصیر عامل زیان و درخواست خسارت برای زیان‌دیدگان مشکل خواهد بود و از طرفی عدالت اجتماعی ایجاب می‌کند که خسارت واردشده به زیان‌دیدگان بدون جبران نماند، پس باید دامنه شمول این نظریه که مبتنی بر تقصیر فرادستان را بیشتر کرده و سرانجام آن را به مسؤولیت محض تبدیل کنیم (جوهریان، ۱۳۹۳: ۵۳).

۲-۱-۲- مبنای مسؤولیت کیفری نیابتی بدون تقصیر

مواردی که در مباحث قبل بیان شد، همگی بر این اساس استوار بود که با توجیهی منطقی و قانونی بتوانیم تقصیر شخص بالادستی را ثابت کنیم و در پی آن مسؤولیت کیفری را به نیابت از فاعل جرم به او تحمیل کنیم. حال می‌خواهیم به بررسی نظریه‌هایی بپردازیم که تحمیل مسؤولیت کیفری را از باب تقصیر نمی‌دانند و بر دو دیدگاه کلی مسؤولیت کیفری نیابتی مبتنی بر ریسک (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۴۳۴) و مسؤولیت کیفر نیابتی مبتنی بر جبران و توزیع ضرر منتج می‌شود.

۲-۱-۱- مسؤولیت کیفری نیابتی مبتنی بر ریسک

با شروع شدن انقلاب صنعتی و به وجود آمدن کارگاه‌ها و کارخانه‌های پیشرفته حوادث ناشی از کار نیز به صورت فزاینده‌ای افزایش یافت که در بسیاری از موارد این حوادث، ناشی از نوع کار و ابزارآلات مورد استفاده بود و کارفرما هیچ تقصیری را مرتکب نشده است. با پیشرفت روزافزون فناوری محیط کار، ریسک ارتکاب فعل، مستلزم این است که مسؤولیت کیفری افزایش یابد. براساس گزارش سازمان بین‌المللی کار (ILO) شرایط سه‌گانه نامطلوب کاری شامل کار کثیف، خطرناک و پست^۲ که به کارهای 3D معروف است، به‌کار گمارده می‌شوند که آمار غیررسمی حاکی از نرخ بالای حوادث و بیماری‌های شغلی در میان این قبیل کارگران در مقایسه با

3- Reciprocity

4- Deterrence

1- International Labour Organization

2- Dirty, Dangerous and Demeaning

حسب مقررات مواد ۱۹ و ۲۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی در نیابت قضایی، گذشته از این که دعوا متوقف نمی‌شود، اتفاقاً در تداوم دعوی مطرح‌شده رسیدگی همچنان ادامه خواهد داشت. در واقع نیابت قضایی نوعی ادامه رسیدگی است نه توقف آن. همچنین اقدامات مورد درخواست مرجع اعطاکننده نیابت دقیقاً باید توسط مرجع مجری نیابت به عمل آید و در نیابت قضایی صرفاً یک دعوا مطرح می‌شود و در حال رسیدگی است.^۲

نیابت قضایی بین‌المللی، تقاضایی است که یکی از مراجع قضایی داخلی از مقامات قضایی کشورهای خارجی دارد. این نوع نیابت غالباً با مشکلات قانونی یا عملی مواجه است. دادن نیابت قضایی خارج از کشور در صورتی است که بین دو کشور قرارداد «تعاون قضایی» یا «معامله متقابل» وجود داشته باشد. تحقیقاتی که دادگاه خارجی پیرامون نیابت اعطایی انجام می‌دهد، در صورتی که مورد وثوق و اعتماد دادگاه رسیدگی‌کننده باشد، قابل استناد خواهد بود. دادگاه‌های ایران می‌توانند به شرط معامله متقابل، نیابتی که از طرف دادگاه‌های کشورهای دیگر راجع به تحقیقات قضایی به آن‌ها داده می‌شود، قبول کنند. این تحقیقات نباید با موازین اسلام و قوانین مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه، مخالف باشد (پارساپور، ۱۳۹۴: ۴۸). در مورد قوانین موجود در این زمینه، آنچه از مقررات مواد ۲۹۱ تا ۲۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی استنباط می‌شود، به طور کلی شامل موارد ذیل است:

انجام موضوع نیابت چه از ناحیه دادگاه ایران یا دادگاه خارج از کشور، باید متکی بر معامله متقابل باشد.

انجام موضوع نیابت در دادگاه ایران به درخواست مرجع قضایی خارج از کشور، علی‌الاصول باید براساس قوانین ایران به عمل آید، مگر این که دادگاه خارج از کشور ترتیب خاص دیگری را معین کرده باشد که در این صورت ضمن وجود شرط معامله متقابل، در صورتی که مخالف موازین اسلام و قوانین مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد، امکان ترتیب اثر دادن به آن نیابت در ایران وجود خواهد داشت. تحقیقات قضایی خارج از کشور باید براساس قوانین ایران تعیین و از دادگاه خارجی که

از تئوری‌های جالبی که مبانی آن جبران و توزیع ضرر می‌باشد، تئوری جیب پر^۱ است. این تئوری عنوان می‌دارد که آن شخصی که سود بیشتری می‌برد، مسلماً جیب پری دارد و راحت‌تر می‌تواند ضرر ایجاد را جبران نماید، البته با تمامی این مزایا ایراداتی اساسی نیز متوجه این نظریه است، از این قبیل افرادی در موضوع معینی با مؤسسات همکاری جزئی دارند و این افراد از موقعیت مالی بهتری برخوردارند. آیا باید همچنان کارفرمای کنونی را با قاعده جیب پر متحمل مسؤلیت بدانیم؟ و اگر دغدغه اصلی جبران مؤثر خسارت بزه‌دیدگان است، دولت به مراتب بهتر از کارفرما می‌تواند خسارات وارده بر بزه‌دیدگان را جبران کند و از امکانات مالی بهتری برای پرداخت خسارت کامل بزه‌دیدگان بی‌گناه برخوردار است (خضری، ۱۳۹۵: ۳۹).

برخی از حقوق‌دانان هم در این بخش بدین امر رسیده‌اند که کسی که می‌تواند این ضرر را منتقل کند و بدین طریق جبران نماید، باید مستحق مسؤلیت کیفری دانست، یعنی با افزایش قیمت تولیدات یا خدمات خود این ضرر را به مشتریان منتقل کند. ایراد اساسی این تفکر، عدم وجود عدالت است. عدالتی که اساساً این نوع مسؤلیت، یعنی مسؤلیت کیفری نیابتی برای آن ایجاد شد و ما با تحمیل ضرر به مشتریان که در قبال منفعت دریافتی از عمل کارگر و کارفرما وجهشان را یک‌باره پرداخت کرده‌اند، عدالت را به فراموشی سپرده‌ایم.

مسؤلیت کیفری نیابتی در ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی برای تحلیل ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی باید ماده ۱۴۱ را نیز توجه کنیم تا این ماده را که صراحتاً مسؤلیت کیفری نیابتی را مورد شناسایی قرار داده، به درستی بررسی کنیم.

ماده ۱۴۱: «مسؤلیت کیفری، شخصی است.»

ماده ۱۴۲: «مسؤلیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به‌طور قانونی مسؤول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود» (قانون مجازات، ۱۳۹۲).

² - <https://www.vekalatonline.ir/articles/92040/>.

جنگ نیابتی، جنگ واسطه‌ای یا جنگ، وکالتی وضعیتی است که در آن قدرت‌های درگیر به‌جای این‌که مستقیماً وارد جنگ با یکدیگر شوند، با حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی از کشورها یا گروه‌های مسلح دیگری که با قدرت مقابل یا متحدان آن در جنگند، سعی در تضعیف آن قدرت یا فشار بر آن می‌نمایند، در بسیاری از موارد به علت هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و انسانی بالایی که برای هر دو طرف وجود دارد. از این‌رو طرفین تلاش می‌کنند که بدون وارد شدن به جنگ تمام‌عیار از طریق حمایت از گروه‌ها و دولت‌های ثالث به‌طرف امنیت خاورمیانه مقابل ضربه بزنند و یکدیگر را تضعیف نمایند.

در قرن بیستم کشورها به‌طور فزاینده‌ای به‌جای درگیری مستقیم نظامی، جهت رسیدن به اهداف نظامی یا شبه‌نظامی خود از گروه‌های نیابتی استفاده نمودند. لاومن معتقد است جهت شناخت جنگ‌های نیابتی باید رئالیسم در چهارچوب پارادایم امروزی در نظام بین‌الملل و نیز هزینه‌های زیاد دخالت مستقیم نظامی را درک نمود (Loveman, 2002: 36).

قرن اخیر جنگ نیابتی به یک متغیر مهم در شکل‌دادن به نتیجه استراتژیک مطمئن از یک درگیری از طریق یک تعامل غیرمستقیم تبدیل شده است. تاریخ پر از درگیری‌های متعدد جنگ نیابتی است که در آن دولت‌ها بدون آنکه سربازان منابع و امور مالی خود را مورد استفاده قرار دهند، به اهداف استراتژیک خود می‌رسند، اگرچه در روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی در مورد جنگ‌های معاصر (نیابتی) منابع زیاد تحقیقاتی زیادی در دسترس است، اما یک خلأ در تجزیه و تحلیل جنگ نیابتی وجود دارد (Tomar, 2014: 149). انجمن مطالعات جهان اسلام در بیانیه خود اظهار داشت که: «جنگ نیابتی خالص تقریباً وجود ندارد^۱»، زیرا نظامیان آمریکایی که با کشور سوریه در جنگ هستند معمولاً به‌دنبال منافع و هدف‌های شخصی خود نیز هستند که ممکن است با منافع و هدف‌های کشور حامی آن‌ها در برخی موارد یکی نباشد و از کنترل نیز خارج شود. معمولاً بیشترین کاربرد جنگ‌های واسطه‌ای در دوران جنگ سرد است، زیرا به این وسیله می‌توان بدون درگیری مستقیم با قدرت مقابل و ورود در یک جنگ بزرگ و

به آن نیابت داده شده است، خواسته شود. در غیر این صورت، در شرایطی مناط اعتبار قرار خواهد گرفت که دادگاه ایران آن را بپذیرد. در واقع مقررات مواد ۳۹۲ تا ۳۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی متکی بر مقررات مواد ۵، ۶، ۷، ۹۶۸، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴ و ۹۷۵ قانون مدنی است (غفوری، ۱۳۹۵: ۵۶).

موارد فوق تنها در صورتی مؤید آن است که مسؤولیت کیفری نیابتی به‌عنوان یک قاعده کلی مورد پذیرش قرار نگرفته است. با کمی دقت می‌توان برداشت نمود که این دو ماده ۱۹ و ۲۹۰ دارای دو قسمت است که قسمت اول آن که عنوان می‌دارد: «اگر شخص به‌طور قانونی مسؤول اعمال دیگری باشد، مبتنی بر مسؤولیت مطلق است و در آن وجود تقصیر یا عدم وجود تقصیر تأثیری ندارد»؛ در قسمت دوم ماده که عنوان می‌دارد: «در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود، مبتنی بر مسؤولیت تقصیری است، پس می‌توان گفت که در این ماده قانون‌گذار ترکیبی از خطا و خطر را استفاده نموده است» (غفوری، ۱۳۹۵: ۵۷).

حال باید ببینیم که عبارت شخص به‌طور قانونی مسؤول رفتار دیگری باشد، باید «حکم قانون» را مد نظر قرار بدهیم و یا قانون‌گذار را «مقام مافوق نسبت به مادون»؛ واضح است که اگر ما از نظر اول تبعیت کنیم دامنه شمول مسؤولیت کیفری نیابتی را کاهش می‌دهیم و این امر موجبات مشکلات عنوان‌شده در بخش‌های قبل را برطرف نمی‌کند، پس با تأسی از تعبیر دوم می‌توان بالادستی را با مبانی‌ای که ذکر کردیم، مسؤول رفتار پایین‌دستی بدانیم، زیرا با این امر نظارت بیشتر و ایمنی بهتر را به ارمغان آورده‌ایم. همچنان‌که در فرانسه بدون ذکر در قانون این نوع مسؤولیت توسط محاکم شناسایی شده بود. بر طبق ماده قانونی اگر جرم واقع شده توسط فاعل مادی که از بالادستی امر می‌گرفته، پس بالادستی مسؤول کیفر نیابتی است، ولی اگر این امریت وجود نداشته باشد، ولی بالادستی مرتکب تقصیر شده باشد، با توجه به قسمت دوم ماده، مسؤولیت نیابتی خواهد داشت (غفوری، ۱۳۹۵: ۶۸).

۳- جنگ‌های نیابتی و اهداف آن

^۱ - در سال ۲۰۱۸ در نشست سران اعراب ضمن غیرقابل قبول دانستن تجاوز به خاک سوریه، حضور نظامیان آمریکایی و تجاوز به آن را مردود اعلام نمودند.

اهداف معین به خدمت گرفته می‌شود. برای مثال از جمله جنگ رسانه نیابتی می‌توان به شبکه‌های ماهواره‌ای منطقه مانند العربیه اشاره کرد که در واقع بیانگر استراتژی غرب در منطقه بوده و تبلیغی جهت بیان دیدگاه‌ها و ایدئولوژی‌های غربی است (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۴: ۷۹). از جمله اهداف جنگ نیابتی آمریکا می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- تفاوت قدرت نرم و سخت دو کشور است؛
- ۲- ضرورت حمایت افکار عمومی از جنگ‌ها در سطح بین‌المللی و نگرانی از واکنش‌های جهانی در صورت ورود مستقیم یک کشور به جنگ با کشور دیگر است؛
- ۳- کاهش و حذف تلفات نیروهای خودی؛
- ۴- حفظ پرستیژ کشورهای بزرگ‌تر که جنگ را هدایت می‌کنند و رسیدن به اهداف بدون استفاده از امکانات و سرمایه؛
- ۵- متلاشی کردن مرزهای جغرافیایی منطقه جهت دستیابی به طرح خاورمیانه بزرگ؛
- ۶- تضعیف محور مقاومت با فرسایشی شدن جنگ‌های نیابتی؛
- ۷- ضربه شدید به اقتصاد روسیه و ایران و ناامن کردن مسیر صادرات گاز؛ انجمن مطالعات جهان اسلام جمعیت دراسات العالم الاسلامی - فروش میلیاردها دلار تسلیحات نظامی به منطقه؛ پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام ۹ توازن قوا و برتری ژئوپلیتیکی به نفع آمریکا در منطقه؛
- ۸- فراهم کردن صادرات گاز اسرائیل به اروپا (پارسپور، ۱۳۹۴: ۲).

سیاست ورود به منازعات بین‌المللی یا انزوا یکی از مسائلی بوده است که آمریکایی‌ها از بدو تولد کشورشان با آن مواجه بوده‌اند، اما در دو دهه اخیر ادبیاتی خاص وارد فضای استراتژی نظامی این کشور شده است. با عنوان جنگ نیابتی این نوع جنگ در طول دوران جنگ سرد امری معمول بود. دو جنگ کره و ویتنام از مهم‌ترین نمونه‌های جنگ نیابتی به‌شمار می‌رفتند. در جنگ کره که از ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳ طول کشید، جمهوری خلق چین و اتحاد جماهیر شوروی از کمونیست‌ها در شمال در مقابل

بسیار پرهزینه، به فشار بر قدرت مقابل ادامه داد (Helton, 1: 2014)، اگرچه استفاده از عوامل دست‌نشانده یا نایب زبان‌های همچون از دست‌رفتن استقلال سیاست خارجی دارد، اما استفاده آن‌ها غالباً تأثیرگذارترین وسیله در کشمکش یا جنگ بدون بروز خطرات ناشی از آغاز سریع جنگ است (واثق، ۱۳۹۲: ۹۵). با این حال جنگ نیابتی یک پدیده جدید است که ریشه در رقابت ابرقدرت‌ها در دوران جنگ سرد دارد. در طول تاریخ نمونه‌هایی وجود دارد که دولت‌ها برای دفاع از قلمرو خود مزدورانی را از سایر کشورها برای مبارزه با مخالفان استخدام می‌کردند، درحالی‌که استفاده از دولت‌های ثالث در میدان نبرد نمی‌تواند یک چیز جدید تلقی گردد، مثلاً در جنگ سرد ابرقدرت‌ها بدون آنکه به‌طور مستقیم در جنگ وارد شوند، با صرف هزینه مالی دولت‌های ثالث را مسلح می‌کردند (دندن، ۲۰۱۲: ۳). اصولاً جنگ نیابتی به‌منظور کسب و گسترش نفوذ در یک حضور رقابتی مشترک صورت کنند، در ژئوپلیتیک بیرونی خود بازی را پیش گیرد. گاهی طرف‌های متخاصم تلاش می‌برند و مطابق توافقی نانوشته از کشیده‌شدن تنش و کشمکش به ژئوپلیتیک داخلی خود پرهیز و تا حد امکان آن را مهار می‌کنند. اصولاً جنگ‌های نیابتی با اهدافی مانند فرسایش توان نظامی، سیاسی، اقتصادی اجتماعی و ایدئولوژیک نیز صورت می‌گیرند. درگیری‌سازی طرف مقابل در جبهه‌ای چندلایه، تبلور راهبرد فرسایش محور جنگ نیابتی است (شیرازی، ۱۳۹۴: ۸۳).

در پایان می‌توان گفت جنگ نیابتی در دو مقیاس منطقه‌ای و ملی در حال انجام است و پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام بسیار واضح است این جنگ به تمام حوزه‌های، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... کشیده شده است (واثق، ۱۳۹۲: ۴-۵). برای این‌که رویکرد جنگ نیابتی یا مداخله نظامی مقیاس کوچک در مداخلات تعاملات نظامی مؤثر عمل کند، باید به درکی کامل از توانایی‌ها و محدودیت‌ها به‌عنوان یک ذهنیت راهبردی متفاوت و افرادی مناسب برای این زمینه دست یافت. مجموعه عوامل و ابزارهایی که در جنگ نیابتی استفاده می‌شود به دو دسته سخت و نرم تقسیم‌بندی می‌شود. به عبارتی جنگ نیابتی فقط یک جنگ نظامی نیست و در همه عرصه‌ها به وقوع می‌پیوندد، از جمله عرصه‌های رسانه فرهنگ اقتصاد سیاسی و ... این موارد همه ابزاری هستند که جهت رسیدن به

و تغییر مرزهای به‌جامانده از موافقت‌نامه سایکس پیکو را در ذهن می‌پروراند.

با آغاز تجاوز نظامی عربستان سعودی به یمن و گسترش دامنه فعالیت‌های داعش در منطقه در واقع تحولات صورت‌گرفته در سوریه، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام عراق، بحرین و یمن که عملاً منجر به افزایش نفوذ ایران در منطقه شده است، نگرانی و نارضایتی عربستان را موجب شده است. در واقع یکی از نگرانی‌های عربستان و قدرت‌های غربی می‌تواند از این جهت باشد که به‌رغم سرمایه‌گذاری‌های گسترده ائتلاف غربی - عربی موازنه منطقه‌ای به نفع محور مقاومت و ایران تغییر یافته است و با ظهور و گسترش داعش در منطقه و تحت تأثیر قرار گرفتن بیشتر کشورهای منطقه مرزهای ایران تحت تأثیر و نفوذ این گروه قرار نگرفته است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش مقاله به‌تنهایی توسط نویسنده انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که بنده را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزارم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۰۵). *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم، چاپ پانزدهم، تهران: نشر میزان.

- الهی، همایون (۱۳۸۷). *خلیج فارس و مسائل آن*. تهران: بی‌نا.

نیروهای سازمان ملل به رهبری آمریکا حمایت می‌کردند، شوروی مستقیم وارد این درگیری نشد، ولی چین هزاران سرباز را در حمایت از کره شمالی به جبهه‌های جنگ فرستاد. در جنگ ویتنام نیز شوروی و کشورهای کمونیستی از چریک‌های ویت کنگ و دولت ویتنام شمالی در مقابل ویتنام جنوبی و متحدان آن، از جمله آمریکا حمایت می‌کردند، البته آمریکا با اعزام صدها هزار سرباز خود مستقیم وارد این منازعه شد. در جریان اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی نیز آمریکا جنگ نیابتی را از طریق مسلح کردن گروه‌های جهادی که بعدها نام القاعده و طالبان به خود گرفتند، راه‌اندازی کرد. در دوران جنگ سرد جنگ عراق علیه ایران تنها جنگی بود که صدام به نیابت از هر دو ابرقدرت و با هدف مهار حرکت انقلاب اسلامی بر ایران تحمیل کرد. در واقع استراتژی جنگ نیابتی واشنگتن رهبری یک جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر با تحریک ترکیه عربستان سعودی و همچنین اسرائیل است (Chossudovsky, 2016: 12).

نتیجه‌گیری

در کل برای شناسایی مسؤولیت کیفری نیابتی ما باید تلفیقی از خطا و خطر را در نظر بگیریم تا بر این مبنا در جامعه امروزی این مهم را به مرحله اجرا درآوریم. کارخانه‌داری که به ایجاد کارخانه ریسک خطر ارتکاب جرم همانند تخریب محیط زیست، آسیب کارگران، شلوغی محیط و از همه مهم‌تر محدود کردن حقوق شهروندی دیگران و همچنین بسیاری از مصادیق دیگر را بالا می‌برد، بدون احراز تقصیر مستحق کیفر نیابتی هستند و به‌طریق اولی کسانی که در راستای منافع شخصی مرتکب تقصیر یا خطا شده‌اند، مستحق کیفر نیابتی هستند. به‌نظر ما نیازمند قواعد جدیدی در حقوق امروزی برای عدالت نوین هستیم قوانینی که بتوان قواعد مهم فقهی، از جمله قاعده تحذیر، قاعده اقدام و همچنین قاعده مهم وزر را با مسؤولیت کیفری نیابتی تلفیق کنند، حال آنکه هم‌اکنون مسؤولیت کیفری نیابتی یک استثنا است و جرایم مستوجب کیفر نیابتی باید در قلمرو سازمان یا در راستای آن باشند. بنابراین می‌توان گفت که جنگ‌های نیابتی غرب و متحدانش علیه ایران، هدف کوتاه‌مدت تضعیف ژئوپلیتیک ایران را دنبال می‌کند و در اهداف بلندمدت خود اجرای طرح خاورمیانه بزرگ

ب. منابع انگلیسی

- Buzan, B (1991). *Pepole, States & Fear An Agenda Fr Internatinal Security Studeis in the Pst-Cold War Era*, 2nd ed., London.
- Buzan, B & Waever, O (1998). *Jaap de Wilde, Security: A New Framework for Analysis*. Boulder, CO: Lynne Rienner.
- Chossudovsky, M (2016). *The Syria Proxy War against the Islamic State (ISIS) Has Reached its Climax Military Escalation*. *Global Research*.
- Dandan, S (2012). *Proxy War*. *Department of Political Science University of Copenhagen, Danish Political Science Association Annual Meeting*, 25-26.
- Helton, Sh (2014). *US-NATO Proxy War in Iraq and Syria: US Financing and Training of "Moderate" ISIS Rebels in Syria*, *Global Research*: <http://www.globalresearch.ca>.
- Loveman, Ch (2002). "Assessing the Phenomenon of Proxy Intervetion". *Conflict and Security & Development*, 2(3):
- Tomar, S (2014). "Proxy Warfare". *Journal of Defence Studies*, 8(2):
- U.S. Military Academy (2014). *Remarks by the President at the United States Military Academy Commencement Ceremony*. New York: West Point.

ج. سایت‌های اینترنتی

- <http://basirat.ir>
- <http://fa.cmess.ir>
- <http://www.persiangulfstudies.com>
- <https://www.vekalatonline.ir>

- ابوالحسن شیرازی، حبیب الله (۱۳۹۴). «میزان سنجی تأثیر عنصر رقابت بر جنگ‌های نیابتی ایران و عربستان». *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۷۷-۱۰۲: (۱)۵.
- پارساپور، روزبه (۱۳۹۴). «جنگ‌های نیابتی منطقه و طرح خاورمیانه بزرگ». *ماهنامه خلیج فارس و امنیت*، [/https://www.irna.ir/news/81727252](https://www.irna.ir/news/81727252)
- پریشان، فتح ا... (۱۳۹۴). *حمله عربستان به یمن، اهداف انگیزه‌ها و پیامدها*. سایت تحلیلی بصیرت.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸). *چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر؛ پرهیزکار، امین و خضری، احسان (۱۳۹۵). «سیاست خارجی باراک اوباما در غرب آسیا و شمال آفریقا تا سال ۲۰۱۵». *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۳۶: ۶۷-۸۶.
- جوهریان، محمدولی (۱۳۹۳). «بیمه حوادث ناشی از کار». *فصلنامه صنعت بیمه (بیمه حوادث)*، شماره ۳۴: ۱۱-۲۶.
- دهشیری، محمدرضا و غفوری، مجتبی (۱۳۹۴). «الزامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال سیاست‌های آمریکا». *فصلنامه راهبردی*، ۲۵: ۱۷۳-۱۹۵.
- رنجبر، حسین (۱۳۹۳). *مسؤولیت کیفری نیابتی*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی.
- غفوری، حسین (۱۳۹۵). «مسؤولیت نیابتی». *مجله پژوهش‌های حقوقی*، ۵۶-۶۸.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴). *حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نصری، قدیر (۱۳۸۴). «تأملی روش‌شناختی بر مکتب بافتار امنیت منطقه‌ای». *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۹: ۵۸۵-۶۰۷.
- واثق، محمود (۱۳۹۲). *نشست علمی آمریکا و استراتژی جنگ نیابتی در خاورمیانه و شمال آفریقا*. تهران: مؤسسه انجمن مطالعات جهان اسلام.